



## اسلام و فرهنگهای بیگانه

در شمارهای گذشته روشن شد که موسیبت فرهنگ اسلام در این فرهنگهای بیگانه در آن هنگام که آنها با اسلام راه یافتند - يك موقعیت منفی و یا تقلید بدون قیود و شرط نبود بلکه اسلام فرهنگهای دیگر را تنها در ترکیب اهداف عالی و مقدس خود تقویت میکرد و اسات خود را از این طریق محفوظ میداشت اکنون بدینباره این بحث توجه فرمائید .

\*\*\*

این تنها بر حسب تصادف و اتفاق نبود که اجتماع اسلامی به اشمار اروپایی و نمایندههای اروپایی (۱) و آشیل (۲) توجه نکرد و اینکه آنها ابتدا خرف و وادیات یونانی بودند بلکه این جریان تأکید میکند که نبیست ترجمه و نقل در میان مسلمین طبق يك برنامه حساب شده و دست دهری و قیادت زساء اسلام صورت گرفته است و آنها مراقب بودند که ترکیب متناسب فرهنگهای جدید را بپذیرد فرهنگ اسلامی مراعات گردد. (۳)

ما هنگامیکه موقف پیشوایان اسلام را در برابر هجوم فرهنگهای بیگانه از نظر می گذرانیم ، مشاهده میکنیم که اغلب ، آرا پذیرفته و در راه پیشرفت آن میکوشیدند و کافی است در اینجا به موقف امام قنواء حضرت امام حسن صادق (ع) توجه کنیم :

آنحضرت شاگردان و پیروان خود را در راه فرا گرفتن فرهنگهای گوناگون تشویق فرموده و عدهای را به تعلم رشتههای تخصصی امر میکرد ، مثلاً جابر بن حیان را برای تخصص در علوم طبیعی تعیین فرمود و جابر هم در این راه تا آنجا کوشش کرد که به پدرشیمی جدیدی نایل گردید . (۴) همچنین هشام بن حکم و مؤمن عالم را برای تحقیق در فلسفه و علم کلام

(۱) اروپایی نماینده نویسی بزرگ یونان در سال ۴۸۴ قبل از میلاد مسیح بدینا آمد و بیش از ۹۰ نماینده نوشت که از میان آنها تنها ۱۸ نماینده در دست است .

(۲) آشیل که او را نخستین تراژدی نویسی بزرگ تاریخ خوانده اند در سال ۵۲۵ پیش از میلاد متولد شد و ۲۰ تراژدی نوشت که تنها هفتای آن با مانده است .

(۳) العلوم والمدنیة فی الاسلام تألیف دکتر سید حسین نصر .

۴ رجوع شود به کتابهای : العلوم والمدنیة فی الاسلام ، الامام الصادق علیه السلام

مبین نبود. (۱)

وینور کلی مادر کلمات قبیله برزگه و پستوایان اسلام مخالفی را می بینیم که کنویق و ترغیب آنها را به فرهنگ جدید برساند. بان احکام فقهی برای بسیاری از موضوعات نو و احیاناً مناقشات و مناظراتی در بحثهای گوناگون جدید. خلیفه میاحیات امام علی بن موسی الرضا علیه السلام با عمران ساسی (۲) نوشته است از توجه و عنایت رهبران اسلامی به علوم و موضوعات روز.

ولی نباید انتظار بود داشت که صفای از علماء انبیم الهیاء شخصیت اسلامی و تزلزل برخی از عقاید منحصی، موفقیتی غیر از این داشته. آنها در برابر فرهنگهای بیگانه یا کاملاً حرد و بی تفاوت بودند و یا احیاناً مخالفت و مبارزه برخاستند و بعضی از آنها هم که قدرت بیشتری داشتند، زمانه از آن وقت با سخت‌آبر قرار داده و مبارزه را در گذشته‌های دینمند و شدت بیشتری انجام داده‌اند.

در همین حال این مبارزه و مخالفت در سطح بسیار محدود و وسیلی قرار داشت و افسانه معروفی که میگوید خلیفه دوم دستور داد کتابخانه اسکندریه را آتش بزند اشاره‌دستی ندارد و ازیر همین تاریخ اسکندریه و کتابخانه آن استفاده میشود که در حدود دو قرن پیش از سبطه مسلمانان بر آسانان، کتابخانه تقریباً خالی از کتب بوده و نیز معلوم می‌گردد که کتابیای قراوان کتابخانه علیم اسکندریه قبل از اسلام چندین دفعه آتش گرفته است و هنگامیکه مسلمانان وارد اسکندریه شدند کتابچندان نیافتند. (۳)

مبارزه محدود این عهد از علماء دارای حیات و عوامل گوناگونی بوده است که در این باره‌های از آنها اشاره می‌کنیم:

۱ - تردید در جدایی فکری و اعتقادی که فرهنگ جدید، بر اساس آن عقاید استوار است.

۲ - تردید در هم آمیزی و تناسب این فرهنگ با فرهنگ اسلامی و اسلامیات و مناقشات آن با پادشاهان و احکام اسلام. (مقدمه، ص ۷۰)

۳ - جزوه و مقام بن حکمه از سری اشاراتی که تحت عنوان «دینشهر» و در مجله جامع علوم اسلامی منتشر شده است.

۴ - رجوع خود به مسئله احمد حنبل و شرح فضائلن بر سبب بخاری و بخار الاقنوار علامه مجلسی.

(۳) تراات العرب العلیسی فی الظنک والریاضیات تألیف استاد حافظ فدوی طوقان - بحث و بررسی‌های بقلم پرستو سارتن تحت عنوان «علم ترغیب و درصلا»

از سخنان جاوید

پیامبر اکرم (ص)

أَحَبُّ عِبَادِ اللَّهِ إِلَى اللَّهِ

أَنْفَعُهُمْ لِعِبَادِهِ

بمترین بندگان در پیشگاه خداوند آنکس

است که فایده بیشتری بر بندگان

خدا برساند.

پیر خلدونی و علی مکتب اسلام قم

(پنجاهم ۱۶) ۳- نرس از عظم شدن شخصیت اسلامی عده‌ای از تازه‌پسوران رسیده‌ها و کسانی که در عقاید دینی خود هنوز مراحل ابتدائی را نگذرانده در تمدن و فرهنگ جدید،

حقیقت اینست که عذراول دوم در محکمه حقی و علم محکوم است زیرا می‌توان با مراقبت و بررسی دقیق فرهنگ جدید نقاط ضعف آنرا بر طرف ساخت و با تهذیب محتوبات آن معاوضگی و تناسب آنرا با فرهنگ اسلامی حفظ نمود و اما عذر اخیر یعنی نرس از تعلیل و عظم شخصیت اسلامی مسئله است موصی و مربوط به حرکات نواحی از زمان میباشند و نمیتواند بعنوان یک عذر موجه در صحنه شرایط و زمانها مورد قبول قرار گیرد .

مفسرین علم علی علیه السلام به است کلامی را در قالب اسلامی حلالی ریخته و مورد بحث و گفتگو قرار میدهند :

در آن هنگام که حضرت از جنگ صفین مراجعت میکرد ، پیر مردی بلند قد و پشیمین گفت : آیا اساس این جنگ و سرخوشی ما بنا بر مثبت پروردگار و نعمنا و قدر صورت گرفته است؟ حضرت فرمود : آری . بعد اقسام تمام پشیمین و بلندبانی که بی‌موردید به قضا و قدر پروردگار بودید است ... پیر مرد گفت : آه که زحمات من بر یاد رفت و اجر و مزدی نسبی من نمیشود ( چون تمام این گوشهها یا جایز و خواست خداوند بوده است ) حضرت فرمود : پیر مرد آرام باش شاید تو گمان کردی که این قضا و قدر نسبی و لازم الوقوع است و حال آنکه اگر چنین باشد مسئله تو با عتاب و اسروتنی تکلیف از بین خواهد رفت ، و عیبها و عیبهای خداوند به نسبتها و تقدیمهای آخرت می‌آید می‌آید و برای گناه کار و بی‌گناه سببازات و پاداشی نخواهد بود ، این گونه عقاید مربوط به هندوستان و دشمنان خداوند است .

ای پیر مرد ! تکالیف و توانی پروردگار بر اساس اختیار بندگان استوار بوده و خداوند هرگز از روی اسباب و احوال امتدادت نمی‌شود و آسمانها زمین و آنچه که ما بین آنها است بی‌اطل خلق نمیشود و یازم گرفتن دستگاه آفرینش گمان کافران است و وای بر آنها از عفو بت خداوند (۱)

رساله جامع علوم اسلامی

از بحثهای گذشته دو نتیجه مهم و اساسی گرفته میشود :

۱- اسلام در راه ساختن و تکوین فرهنگ اسلامی که مورد علاقه و ایمان بانگ مسلمان قرار گیرد ، اهتمام و رویه است .

۲- اسلام دارای تدریج سدر و تدریج و سیم است برای قبول و اقتباس فرهنگهای بشری و عظم آنها در خود و گوشه‌های فرهنگی را بعنوان یک رسالت انسانی و یکی از واجبات وی در زندگی اختیار کرده است .